

## نکاتی چند در باب تنگنای پژوهش در حوزه

حجت الاسلام و المسلمین مهدی حبیب اختیاری

پژوهش، نقش مهمی در تولید دانش، دانایی و پیشرفت جامعه انسانی ایفاء می‌کند. میزان پژوهش‌های انجام شده در هر جامعه، شاخص توسعه‌یافتگی آن جامعه به حساب می‌آید. یکی از عوامل مهم شناخت مشکلات و نقصان‌های هر جامعه‌ای، پژوهش است که توجه به آن، علاوه بر این که به فرد کمک می‌کند تا بتواند مسائل و دغدغه‌های فردی خود را سامان بخشد، می‌تواند به حل مشکلات جامعه نیز یاری رساند. اما نکته‌ای که باید به آن عنایت داشت، تخصیصی بودن پژوهش و ضرورت توجه به این نکته است که پژوهش همانند هر فن دیگری، به تخصص و آموزش نیاز دارد تا فرد بتواند به صورت منظم و سازمان‌یافته به پژوهش بپردازد. بر اساس آمارهای انجام‌شده، در کشورهای پیشرفته به ازای هر یک میلیون نفر، سه هزار پژوهشگر وجود دارد؛ در حالی که این رقم در کشور ما، 348 محقق به ازای هر یک میلیون نفر است. پاسخ به این سؤال، افزون بر این که تا حدی به عدم حمایت مالی نهادهای متولی از پژوهشگران مرتبط است، اما ریشه‌های عمیق‌تری در درون خود دارد. نهادهای آموزشی جامعه ما کمتر به مقوله پژوهش، در مقام یک فن توجه کرده‌اند و در برنامه‌های درسی خود آن را تا حد یک رشته درجه دو فروکاسته‌اند.

پژوهش در حوزه علمیه، تاریخی به درازای تأسیس آن داشته و همواره هم‌سو با تدریس در آن وجود داشته است. وجود بزرگان؛ چون شیخ طوسی، صدرای شیرازی، علامه مجلسی، علامه امینی و... خود گواه این امر است. حوزه در مقام یک نهاد آموزشی پُرسابقه که طلاب، مدت زمان بسیاری از روز خود را در آن سپری می‌کنند، نقش وافر در رشد و پرورش ذهنی آن‌ها ایفاء کرده و بدانان جهت‌گیری فکری می‌بخشد. اما امروزه پژوهش در حوزه‌های علمیه از یک رشته درجه اول، به رشته‌ای درجه دوم فروکاسته شده است و حوزه‌های ما در مقام عمل، توجه چندانی به آن ندارند. همواره گفته‌اند که اولین قدم در پژوهش، ایجاد مسئله است و تا مسئله‌ای نباشد، اصولاً به معنای واقعی، پژوهشی نیز صورت نمی‌گیرد. اما به واقع چرا در حوزه‌های ما آموزش، مسئله‌محور نیست؟ اساساً باید گفت که پژوهش در حوزه‌های علمیه هرگز نهادینه نشده است و متولیان امر، چندان توجهی به آن ندارند. در این راستا باید به چند نکته اشاره کرد:

1. محتوای متون درسی: اساتید و طلاب حوزه‌های ما باید به این نکته عنایت داشته باشند که لازمه و شرط اول پژوهش و حرکت در مسیر توسعه علمی، داشتن تفکر انتقادی (Critical thinking) و مسئله‌محوری است. از جمله مشکلات عدم وجود تفکر انتقادی در حوزه، نگاه قداست‌بخشی به گذشتگان و سایه سنگین آن‌ها بر متون درسی است که حرکت حوزه‌های علمیه را کند کرده است. شاهد این امر، آن است که متون درسی حوزه، علی‌رغم گذشت مدت زمان نسبتاً زیادی از نگارش آن‌ها و تغییر گسترده جوامع در قیاس با آن زمان، همچنان دست‌نخورده باقی مانده‌اند. متون درسی حوزه باید به گونه‌ای نگاشته شوند که افزون بر انطباق با تغییرات زمان، بتوانند تفکر طلاب را مسئله‌محور کرده و آن‌ها را ترغیب به پژوهش در حوزه‌های مورد علاقه خود نمایند.

2. اساتید: مهم‌ترین نقش در جهت دادن به ذهن طلاب برای گام برداشتن در مسیر پژوهش، بر عهده اساتید است، که با

طرح پرسش‌های متنوع، متناسب با نیاز و سطح طلبه، ذهن آن‌ها را به سوی کسب دانش و معرفت سوق دهند. متأسفانه اساتید حوزه صرفاً به امر تدریس اشتغال داشته و در پی آن نیستند که با ارائه پرسش‌هایی، ذهن طلاب را نسبت به مسئله یا مسائلی کنجکاو نمایند و آن‌ها را به حرکت در جهت پاسخ به این مسئله وادارند. به تعبیری باید گفت که یکی از کاستی‌های بزرگ روش آموزشی کنونی حوزه، فقدان پرسش است. سخن دیگر، این که هنوز مقوله تخصص در حوزه‌ها چنان که باید و شاید جدی گرفته نمی‌شود و هر کس به خود اجازه می‌دهد در حوزه‌های گوناگونی؛ چون فقه، اصول، کلام، اخلاق و... وارد شده و به آموزش آن‌ها مشغول شود. پرواضح است که آموزشی که خود مسبوق به تخصص و دانش کافی نباشد، نمی‌تواند بر طلاب نیز تأثیر چندانی بگذارد و ذهن آن‌ها را درگیر نماید؛ چه همواره گفته‌اند که «هم سؤال از علم خیزد هم جواب». همچنین اساتید، خود نیز چندان که باید و شاید، مقوله پژوهش را جدی نمی‌گیرند؛ نه خود چندان به این مقوله می‌پردازند و نه طلاب را به حرکت در این مسیر تشویق می‌کنند.

3. واحدهای درسی: واحدهای درسی حوزه، همانند متون آن، کهنه و نامتناسب با نیازهای روز است. ضرورت بازنگری در این واحدها و طرح واحدهایی متناسب با نیازهای زمان، به شدت در حوزه احساس می‌شود. با تأسف باید گفت که هنوز در حوزه‌های علمیه، درس پژوهش، هرچند به تازگی در واحد درسی برخی از حوزه‌ها گنجانده شده است، بسیار کم‌اهمیت تلقی می‌شود و هنوز جایگاه مستقل و هم‌سطحی مانند سایر دروس پیدا نکرده است. همچنین سنگینی و فشرده بودن بیش از حد برنامه‌های درسی روزمره طلاب، مجال چندانی برای توجه آن‌ها به پژوهش باقی نمی‌گذارد و فشرده‌گی بیش از حد کلاس‌ها، کار پژوهش را برای طلاب علاقمند به این مقوله، دشوار ساخته است.

4. زیرساخت‌های مناسب: پژوهش در بُعد سخت‌افزاری خود، نیازمند امکاناتی؛ مانند اینترنت، کتابخانه‌های تخصصی، سیستم‌های رایانه‌ای، حمایت‌های مالی و... است. هرچند حوزه‌های علمیه در بعد سخت‌افزاری و توسعه زیرساخت‌های پژوهش، گام‌های مثبتی برداشته و توانسته‌اند تا حد زیادی، کاستی‌های خود را در این زمینه جبران کنند، اما هنوز تا رسیدن به سطح مطلوب، راه درازی در پیش دارند، و هستند حوزه‌هایی که هنوز در این زمینه با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کنند.

5. ضرورت طرح آیین‌نامه پژوهشی: پژوهش مدون و سازمان‌یافته، نیازمند به وضع قوانینی حمایت‌گرایانه و نظام‌مند به سود پژوهشگران دارد. متأسفانه جای خالی چنین آیین‌نامه‌ای که در مقام عمل، نه در مقام نظر، حامی پژوهشگران باشد، بسیار احساس می‌شود. آیین‌نامه‌های تصویبی نیز غالباً دچار افراط یا تفریط هستند و کمتر آیین‌نامه پژوهشی یافت می‌شود که مطابق با استانداردهای ملی و کشوری به نگارش درآمده باشد.

مواردی مانند سپردن سگان پژوهش به دست افراد غیرمتخصص، کمبود کارگاه‌های پژوهشی، شتاب‌زدگی در تحقیق، توجه بیش از حد به مباحث نظری در حوزه و... نیز مانع رشد حوزه و حرکت آن به سوی پژوهش هستند، که در این نوشتار، مجال ذکر آن‌ها نیست. در مجموع باید گفت که راه برون‌رفت از این خمودگی مستولی بر حوزه، توجه جدی به مقوله پژوهش است، و تنها با تکیه بر آن می‌توان به اعتلای گذشته بازگشت.